روزنامه شرق

ولادت حضرت رسول اکرم (ص) و امام جعفرصادق (ع) را تبریک می گوییم

شنبه ۱ آبان ۱۴۰۰ • ۱۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۳ • ۲۳ اکتبر ۲۰۲۱

سال نوزدهم • شماره ۴۱۲۵ • ۱۲ صفحه • ۷۰۰۰ تومان

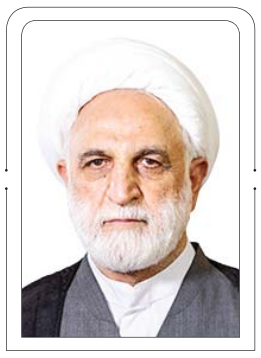

در جلسه ستاد راهبری اجرای سند تحول قضائی مطرح شد

فواید دموکراسی به روایت محسنی‌اژه‌ای

گروه سیاست: دهمین جلسه ستاد راهبری اجرای سند تحول قضائی با حضور حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای برگزار شد. بررسی نحوه اجرای راهکار تقدیر از نقدهای برتر درباره قوه قضائیه مبتنی‌بر نظرسنجی‌های مستقیم...

صفحه ۲

سیدحسن خمینی:

باید مقابل موج تخریب‌ها ایستاد

گروه سیاست: حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی در دیدار با میهمانان سی‌وپنجمین کنفرانس وحدت اسلامی با بیان اینکه نسل‌ها در ایران و غیر ایران وامدار روح بلند امام خمینی(س) است، گفت: «کنفرانس وحدت به نام امام بزرگوار ما گره خورده است...

صفحه ۳

گروه ویژه اقدام مالی در پی ازسرگیری بررسی‌ها و مشخص نشدن تکلیف لوایح مربوطه در ایران اعلام کرد

همچنان در لیست سیاه FATF

صفحه ۴

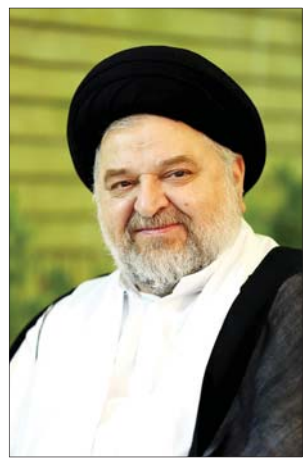

آنچه در دیدار قالیباف با مراجع گذشت

ملاقات در قم

- آیت‌الله جوادی آملی: اکنون میان قوای سه‌گانه هماهنگی وجود دارد و هیچ بهانه‌ای برای عدم رفع مشکلات نباید باشد
- آیت‌الله صافی گلپایگانی: باید با تمام کشورهای دنیا با عزّت و اقتدار رابطه داشته باشیم

صفحه ۲

تیترها

مجلس اصولگرایان بر سر دوراهی

محرمانگی یا شفافیت

صفحه ۲

نماینده مجلس و امتیازگیری از وزارت نفت

سهم‌خواهی از پاستور به امتیازگیری از وزرا رسید

صفحه ۳

سیاست در آخرین روز هفته

صفحه ۳

یک عضو جامعه روحانیت مبارز مطرح کرد

روایتی از پایان ریاست هاشمی بر مجلس خبرگان

صفحه ۳

نوشتن در برهوت

به یاد **یوسف اسحاق‌پور**، نویسنده و متفکر چپ‌گرای ایرانی- فرانسوی که هفته پیش در پاریس درگذشت

صفحه ۶

از عربستانی‌ها یاد بگیرید

صفحه ۱۱

سرمقاله

توده‌ها خود باید سخن بگویند

احمد غلامی . سردبیر

اگر بخواهیم صورت‌بندی کلی از جریان‌های سیاسی حاضر در عرصه سیاسی به دست دهیم، ناگزیریم تا حدودی به این دسته‌بندی قائل باشیم: «ما، آنها و دیگران!». با تأکید بر این نکته که هرکس از موضع و جایگاه خودش می‌تواند «ما» باشد و بقیه «دیگران». «ما» در اینجا باورمندان به جمهوری اسلامی‌اند، «آنها» از منتقدان داخلی و خارجی شکل گرفته است و «دیگران» مخالفان حکومت در خارج از کشورند. ما، آنها و دیگران، زیرشاخه‌های فراوانی دارند و همچون شبکه‌ای مستقل در کار سیاست‌اند. مهم‌ترین ویژگی این شبکه، با همه اختلاف‌ها و تضادهایشان این است که تاکنون دچار آنتاگونیسمی جدی نشده است، چراکه همه این جریان‌ها فاقد قدرت‌اند و هر جا قدرتی نباشد مقاومتی نیز وجود ندارد. ما، آنها و دیگران، تمام کسانی‌اند که خواهان اصلاح یا دگرگونی‌اند اما هیچ‌کدام از هژمونی لازم برای تحقق این خواسته‌ها برخوردار نیستند و به معنای دقیق‌تر اگر هیچ قدرت برتری وجود نداشته باشد، این خلأ (قدرت برتر) به نفع دولت‌ها تغییر خواهد کرد. خاصه اینکه در میان جریان‌های موجود که هریک تلاش می‌کنند خودشان صدای توده مردم باشند، رقابت‌های سلبی نیز مزید بر علت شده است. به طور مثال، اپوزیسیون در سال‌های اخیر تمام همتش را به کار بست تا اصلاح‌طلبان را از ریخت بیندازد و اصلاح‌طلبان با عملکرد ضعیف‌شان، اپوزیسیون را در این راه یاری کردند. اما آنچه این گروه‌ها را از یکدیگر متمایز می‌کند و در برداشتِ آنان از سیاستْ شکاف انداخته است، بیش از آنکه در موضع‌گیری‌هایشان باشد که هست، در برداشت حسی‌ای است که این جریان‌ها از فضای سیاسی کشور دارند. نزدیکی منتقدان داخلی به مسائل سیاسی و اقتصادی کشور و آگاهی از مطالبات مردم، این باور را در آنان به وجود آورده است که با جبران اشتباهات گذشته‌شان می‌توانند دوباره صدای مردم باشند و در برابر، مخالفان بیرون از مرزها بر این باورند که جریان‌های سیاسی داخلی توان، مقبولیت و بعضاً مشروعیت خود را در جماعت‌سازی از دست داده‌اند.

در خلأ میان این جریان‌ها، اصولگرایان قرار دارند که با فراغ بال و اعتمادبه‌نفسِ نشئت‌گرفته از قدرت دولتی و مجلسی، فکر می‌کنند قادرند وضعیت را بسامان کنند و با حذف رقبا و مخالفان و با یک چوب راندن آنان و با محدودسازی سیاسی و اجتماعی و با اتکا به اینکه در غیاب هژمونی می‌توانند با اقتدار مردم را اقناع ساخته، در حالِ تحکیم مواضع خود هستند. آنان بیش از اینکه بخواهند صدای مردم باشند، درصدد ایجاد راهکارهایی برای کنترل مردم‌اند. ما، آنها و دیگران، جملگی نخبگانِ سیاست‌اند با اثرگذاری محدود در توده‌ها، چراکه این جریان‌ها چندان به خودانگیختگی مردم باور ندارند و درصددند با شیوه‌های ایدئولوژیک توده‌ها را به تحرک وادارند، رانسیر تأکید می‌کند مبارزه سیاسی به مفهوم واقعی آن، نه بحث و جدلی عقلانی بین افراد و گروه‌های با علایق مختلف، بلکه تلاش مردمی است که می‌خواهند صدایشان را به هر نحوی به گوش برسانند تا حرف‌شان به‌عنوان شریکی برابر و قانونی در مباحثات و منازعات ارج نهاده شود. رانسیر باوری به نمایندگی از طرف توده‌ها ندارد و معتقد است: «توده‌ها خود باید سخن بگویند تا آن سویه‌های سحرآمیز و لحظه‌های به‌غایت شاعرانه نهفته در فرایند خلق سوژه‌های سیاسی، یعنی روند سوژه‌مندشدن توده‌ها در عرصه سیاست رخ بدهد»، برخلاف آنچه غالب جریان‌های سیاسی در داخل و خارج پیگیر آن هستند. اگر بخواهیم با برداشتی دلبخواهی از تعابیر رانسیر پیش برویم، اصولگرایان حامیان «کهن‌سیاست»اند، یعنی کوشش هواداران زندگی جماعتی در راه ایجاد نوعی فضای اجتماعیِ یکدست با ساختاری اندام‌وار. فضایی سنتی که هیچ گشودگی‌ای ایجاد نمی‌کند تا رخداد سیاسیِ سرنوشت‌سازی به وقوع بپیوندد. اصلاح‌طلبان و منتقدان داخلی در کار «پیراسیاست»اند. کوشش برای سیاست‌زدایی از سیاست، یعنی حذف ابعاد سیاسی آن. باورمند به کشمکش‌های سیاسی، اما در قالب حزب‌ها و کارگزارانی که به‌عنوان نماینده مردم به رسمیت شناخته شده‌اند. رویکردی واضح و بدون ابهام که انگیزه‌ای برای دادخواهی و سرریز آن در سیاستِ راستین باقی نمی‌گذارد. اما ژیژک، تعبیر دیگری به نام «ابرسیاست» به تعابیر رانسیر اضافه کرده است که دست بر قضا می‌توان مخالفان داخلی و خارجی را در آن گنجاند. ابرسیاست، زیرکانه‌ترین و ریشه‌ای‌ترین شکلِ انکار منطق سیاست راستین است، یعنی حذف کامل کشمکش‌های سیاسی از طریق به افراط‌کشاندن آن و گشودن قفل اختلاف‌نظر با توسل به تندروی‌های کاذب، در قالب جنگ بین ما و آنها.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

فیل نقدینگی و فنجان سیاست‌گذاری

ناصر ذاکری
کارشناس اقتصادی

در ۴۰ سال گذشته، بر اساس آمار موجود، حجم نقدینگی به‌طور متوسط سالانه نزدیک به ۲۵.۵ درصد رشد کرده است. نرخ بالای رشد نقدینگی در کنار نرخ پایین رشد اقتصادی (سالانه به‌طور متوسط ۲.۶۵ درصد) منتهی به شکل‌گیری تورم لجام‌گسیخته‌ای شده که اقتصاد ملی را به‌شدت گرفتار آثار نامطلوب خود کرده است. در سال‌های گذشته، دولت‌های مختلف همه مدعی اجرای سیاست‌هایی در مسیر مقابله با افزایش نقدینگی بوده‌اند؛ با این امید که آثار مخرب سیلاب نقدینگی را تا حد امکان مهار کنند. بااین‌حال، هیچ‌گاه توفیق شایان ذکری در این میدان به دست نیامده است. در واقع مقایسه قدرت و حجم تأثیرگذاری سیلاب نقدینگی با توان دولت‌ها و ابزاری که برای مهار این سیلاب به کار گرفته‌اند، مشابه مقایسه فیل و فنجان است. سه سرفصل مهم اقدامات ضروری برای مهار نقدینگی را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱- افزودن بر انضباط مالی دولت به معنای مهار جریان در حال افزایش هزینه‌ها، تلاش برای کسب درآمد و ایجاد توازن بین درآمد و هزینه به‌گونه‌ای که با پدیده کسری بودجه روبه‌رو نشویم.

۲- نظارت کارآمد بر عملکرد شبکه بانکی و جلوگیری از خلق بی‌رویه پول.

۳- ایجاد و معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری مولد با هدف جلوگیری از هجوم نقدینگی سرگردان به آسیب‌پذیرترین بخش‌های اقتصاد.

بررسی کارنامه دولت‌ها در هر سه میدان نشان می‌دهد تعبیر فیل و فنجان برای به‌تصویرکشیدن نسبت ابعاد بیماری با ظرفیت اقدامات درمانی چندان مبالغه‌آمیز نیست. درباره سرفصل اول باید گفت در چند دهه گذشته دولت‌ها همواره گرفتار عدم توازن مالی جدی بوده‌اند. از یک سو حوزه مأموریت و مسئولیت دولت به‌طور مداوم در حال گسترش و وسعت‌یافتن است و این امر موجب می‌شود هزینه‌ها با سرعت افزایش بیابند و از سوی دیگر درآمدها و منابع مالی دولت به‌تدریج از اختیار آن خارج شده است. کاهش درآمدهای نفتی به دلیل محدودیت فروش نفت و تحریم‌های گسترده، رشد ناچیز درآمدهای مالیاتی به دلیل تداوم رکود و تعطیلی بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی و تسلط‌نداشتن دولت بر برخی از حوزه‌های مهم درآمدزا، موجب شده کمترین تناسبی بین درآمدها و هزینه‌های دولت شکل نگیرد. در چنین فضایی، تلاش گاه‌وبیگاه دولت‌ها برای افزودن بر درجه انضباط مالی، همان‌گونه که در سال‌های ۹۲ و ۹۳ اعمال شد، چندان افاقه نکرده و موجبات مهار نقدینگی را فراهم نکرده است. سال گذشته دولت با هدف افزودن بر درآمدهای مالیاتی، معافیت مالیاتی فعالان اقتصادی مستقر در مناطق آزاد را مورد بازنگری قرار داد. چنین اقدامی هرچند بر درآمد مالیاتی دولت در کوتاه‌مدت می‌افزاید، اما با کم‌رنگ‌کردن جاذبه‌های اندک مناطق آزاد کشورمان نسبت به مناطق آزاد کشورهای همسایه، امکان بهره‌مندی اقتصاد ملی از این ابزار ارزشمند سیاستی را از بین می‌برد. در سرفصل دوم، هرچند در سال‌های گذشته نظارت بر شبکه بانکی سخت‌گیرانه‌تر شده است، بااین‌حال باید گفت دامن‌زدن به پدیده مخرب تجارت پول در دهه‌های گذشته، به‌ویژه از طریق مؤسسات مالی و اعتباری غیرمجاز، دشواری بزرگی برای اقتصاد ملی فراهم آورده و سنگی بزرگ پیش پای آن گذاشته است که برداشتن آن و رفع این مانع عظیم، همتی عظیم‌تر می‌خواهد. در سرفصل سوم نیز تلاش متولیان امر نه از نظر کمیت و نه از نظر کیفیت متناسب با ابعاد دشواری و بیماری اقتصاد ملی نبوده است. برای درک بهتر این موضوع، کافی است نگاهی به وضعیت بورس اوراق بهادار و عملکرد آن در چند سال گذشته بیندازیم. در دهه گذشته حداقل دو بار این بازار مهم مالی مورد استقبال پرشور صاحبان سرمایه‌های خرد قرار گرفت، اما هر بار بی‌توجهی متولیان امر به ضرورت جلب اعتماد مردم و استفاده از این فرصت کم‌نظیر تاریخی برای ایجاد رونق در اقتصاد ملی، موجب سرخوردگی مردم و خروج نقدینگی از این بازار و تهاجم آن به بازارهای جایگزین ازجمله بازار مستغلات و ارز شد. با مرور عملکرد دولت‌ها در چند دهه گذشته در هر سه میدان اشاره‌شده، می‌توان این ادعا را با قاطعیت مطرح کرد که دولت‌ها در چند دهه گذشته با به‌کارگیری سیاست‌های ناکارآمد و در سایه نگاه غیرکارشناسی و غیرعلمی به مقوله پول و نقدینگی، از یک سو فیل نقدینگی را هوا کرده‌اند و از سوی دیگر با فنجان سیاست‌گذاری تلاش کرده‌اند این فیل را از آسمان نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری به زمین اطاعت و فرمان‌پذیری پایین بکشانند؛ و بالطبع عدم تناسب بین ابعاد رو به گسترش بیماری با میزان داروی تجویزشده، موجب ناکارآمدی برنامه درمانی شده است. در شرایط امروز اقتصادی کشور، برنامه مهار نقدینگی و جلوگیری از رشد بی‌رویه آن و نیز استفاده بهینه از این سیلاب مزاحم در مسیر رشد اقتصاد ملی، باید در رأس برنامه‌های دولت باشد.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

آثار قانون تسهیل در تخریب بدن زخمی وکالت

حمیدرضا آقابابائیان
وکیل پایه‌یک دادگستری

با دقت در مصاحبه‌های اخیر نمایندگان متعدد مجلس مبرهن شد وکلای مجلس در خانه مردم تلاش داشته‌اند تا از طریق طرح «تسهیل صدور برخی مجوزهای کسب‌وکار» مدنظر کمیسیون اقتصادی مجلس ان‌شاءالله متشکل از اقتصاددانان تحقیق‌محور و پژوهشگر نسبت به تنسیق و تنظیم کسب‌وکار به نظر به بهانه ایجاد اشتغال و پایین‌آوردن آمار جهانی کسب‌وکار کشور جهت رسیدن به ارقام معقول جهانی و... اقدام کنند. صرف‌نظر از نیات پیدا و پنهان طراحان اقتصادی این طرح حقوقی که نگارنده از آن اطلاعی ندارد، به استناد اصول متعدد قانون اساسی سند حقوقی و سیاسی معتبری است که در نظام تقنینی کشور بر پایه تنظیم اقتدار زمامداران و حقوق و آزادی مردم به نحو متناسب تنظیم شده است. برای تضمین این مهم، حکومت به‌عنوان «امانت» در دست نمایندگان منتخب آنان قرار می‌گیرد تا مطابق قانون اساسی با لحاظ غبطه مردم به‌عنوان موکل در راستای منابع فقهی «قرآن مجید» و «سنت» و «اجماع» و «خاصه عقل» قانون‌گذاری کنند. این قانون میراث‌دار قانون‌گذارانی قبل و بعد از مشروطیت و آزادمردی مانند «شهید مدرس» است. این ام‌القوانین مطابق اصل ۵۶ آن از یک طرف حاکمیت ملی را مبنا قرار داده و آن را ودیعه الهی و حق مردم در تعین سرنوشت امری خدادادی می‌داند. به‌این‌ترتیب دموکراسی اسلامی را تأسیس می‌کند از طرف دیگر «آزادی» و «برابری» و «امنیت شغلی» و سایر حقوق فردی و اجتماعی را مجموعه‌های مفصلی می‌داند که در راستای کرامت ذاتی و اکتسابی به‌عنوان «حقوق ملت» در اصول متعدد از آن یاد می‌کند. «قانون» (law) چه از نظر فلاسفه‌ای مانند «مونتسکیو» و «جان لاک» و «ژان ژاک روسو» و «ژان بدن» و «آنزیلوتی» قاضی پیشین دادگاه دادگستری بین‌المللی و چه از منظر شارع مقدس و قوه مقننه، حکم و دستور زندگی اجتماعی است که از طریق آن از هرج‌ومرج جلوگیری می‌شود و «نه اینکه خود مسبب هرج‌ومرج باشد» و نظم و امنیت را بدون «تبعیض» و «به دور از منفعت شخصی و حزبی» برای همه تأمین می‌کند. ضرورت قانون‌گذار «عالم» و قانون فرای دفع مفاسد و تأمین محاسن اجتماع و جلوگیری از تبعیض و مورد قبول همه است که از آن تحت عنوان «عدل» یاد می‌کنند. این قانون یا از منشأ بشری یا الهی برخوردار است؛ بنابراین قانون بشری در عصر فعلی باید توسط افرادی به‌اصطلاح برگزیده مردم و نه نخبه جامعه به‌عنوان نماینده مجلس بدون توجه به اغراض خصوصی یا گروهی تدوین و اجرا شود؛ اما قانون الهی که امتیاز آن از دیگران بیشتر و برتری او بر آنان از طریق آیات و بینات و معجزات آشکار است، مسلم و مورد تصدیق است. از ویژگی‌های این قانون الهی که در تصویب قوانین بشری توسط نمایندگان مجلس باید مراعات شده و بشود، این است که:

۱- برخلاف قوانین بشری وضع‌شده از سوی قانون‌گذاران از اغراض شخصی و منافع حزبی و اهداف تبلیغاتی و امثالهم پاک به دور است.

۲- هدف نهایی این قانون نیل به کمال و مرتبت عالی است.

۳- صرف‌نظر از ضمانت اجرای مادی و دنیوی، برای معتقدان آن متکی به ضمانت اجرای اخلاقی و وجدانی و اخروی است. این امور خود باعث تحقق‌بخشیدن به حدیث «العدل اساس الملک» است که از سوی قانون‌گذار مجلس وضع و از طرف قوه قضائیه اجرا می‌شود.

نگاهی به مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به ما یادآور می‌شود قانون قانون‌گذاران باید مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی باشد. در این راستا اصل ۳ قانون اساسی در باب وظایف دولت، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه مردم در تمام زمینه‌ها و همچنین پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه طبق... و مسکن و کار و بهداشت عمومی و برقراری نظام عادلانه قضائی و تساوی همه افراد در برابر قانون از سوی دولت تأکید دارد، سؤال این است: آیا «ترویج تبعیض ناروا» و محروم‌کردن قشر عظیمی از قضات اصیل و نجیب و شریف جامعه از وکالت که تقریبا همه قوانین مصوب آنها از طریق پارلمان قوه قضائیه «هیئت عمومی دیوان‌عالی کشور» و آرای اصراری الحق والانصاف در زمره علمی و عملی و مفیدترین قوانین همه ادوار کشور است با کدام منطق و عقل حقوقی سازگار است؟ وقتی آقایان زنگنه و سلیمی بر ایرادات این قانون فی‌الحال مقر و رفع آن را برعهده شورای نگهبان یا استفساریه مجدد می‌دانند، واقعا چگونه آن را در آتیه مفید برای جامعه خواهند دانست؟ آیا تکلیف دولت به تأمین شغل را فقط باید بر گرده وکلا و سردفتران و قضات تحمیل کرد؟ آیا اگر وکلا و سردفتران و قضات کشور با کمک پدر خانواده خویش «قوه قضائیه» به نمایندگان مجلس یا محاکم داخلی در نقض این قانون دسترسی داشتند، این‌گونه زخمی می‌شدند؟

ادامه در صفحه ۴

حرف اول

قوه قضائیه و کارایی سیاست‌گذاری اقتصادی

زهرا کریمی*

ولی‌الله سیف، رئیس اسبق بانک مرکزی و احمد عراقچی به اتهام برهم‌زدن نظم و آرامش بازار ارز و فضای اقتصادی کشور و برخی سوءمدیریت‌ها که به صعود قیمت ارز در سال‌های ۹۶ و ۹۷ منجر شد و به‌دلیل زمینه‌سازی برای خریدوفروش غیرقانونی ارز به میزان ۱۵۹ میلیون و ۸۰۰ هزار دلار و ۲۰ میلیون و ۵۰۰ هزار یورو محاکمه شده‌اند و سیف به تحمل ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم شده است. سیداحمد عراقچی، معاون وقت ارزی بانک مرکزی نیز با همین اتهامات به تحمل هشت سال حبس تعزیری محکوم شده است. از جزئیات پرونده اطلاعی در دست نیست ولی حکم صادره به‌وضوح بر سوءمدیریت و زمینه‌سازی برای ایجاد التهاب در بازار ارز تصریح دارد و روشن است که اختلاس، تبانی و سوءاستفاده شخصی در پرونده مطرح نیست. به همین جهت صدور چنین حکمی نگرانی جدی در میان مدیران و تصمیم‌گیرندگان ارشد اقتصادی ایجاد می‌کند. عموما سیاست‌های اقتصادی براساس مبانی نظری و تجارب موفق و ناموفق دیگر کشورها اتخاذ می‌شود و با توجه به کنش و واکنش عوامل اقتصادی و سیاسی از یک‌سو و انتظارات مردم نسبت به چشم‌انداز آینده از سوی دیگر، سیاست‌های اعمال‌شده ممکن است به نتایج مورد انتظار منجر نشود و حتی زیان‌های جدی به اقتصاد وارد آورد. نمونه‌های فراوانی از سیاست‌گذاری‌های ناموفق در جهان وجود دارد. از معروف‌ترین آنها اصرار فدرال رزرو، در زمان ریاست آلن گرینسپن، بر پایین نگه‌داشتن نرخ بهره و اعطای وام ارزان و آسان با وثیقه ملکی بود که نهایتا به شکل‌گیری حباب در بازار مسکن و متعاقب آن به بحران مالی جهانی انجامید. آلن گرینسپن خود اعتراف کرد که برآورد مدل‌های مورد استفاده نادرست بود. با بروز بحران مالی در سال ۲۰۰۸، اقتصاد آمریکا در لبه پرتگاه رکود قرار گرفت و صدها میلیارد دلار زیان دید. مورد دیگر سقوط پوند انگلستان در سپتامبر ۱۹۹۲ که به چهارشنبه سیاه معروف است. پس از اتحاد دو آلمان، مارک به‌شدت تقویت شد و ارزش پول دیگر کشورهای اروپایی کاهش یافت ولی بانک مرکزی انگلستان برای مقابله با کاهش ارزش پوند نرخ بهره را افزایش داد. ولی این سیاست در توقف روند کاهشی ارزش پوند تأثیری نداشت. نهایتا بانک مرکزی انگلستان ناگزیر شد که حجم عظیمی از پوند را در بازار خریداری کند تا مانع از سقوط ارزش آن شود.

ادامه در صفحه ۲